



مناظره بين استاد سيد عباس و inspiration

موضوع : تحليل روايت مورد احتجاج مخالفين ولايت فقيه

کانال منهج البدعه

https://telegram.me/menhajol_beda

"کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله"

هر پرچمی پیش از قیام قائم بر افراشته شود، صاحب آن طاغوتی است که در برابر خدا پرستش می شود. اول این روایت خلاف قران هست و معصوم فرمودند هر روایتی که خلاف قران باشد باطل هست وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنَ لَدُنْكَ نَصِيرًا (النساء/۷۵)

و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی جنگید همانان که می گویند پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما

خداوند در این ایه تصریح بر جنگ و مبارزه با حکومت کفر و طاغوت به جهت دفاع از مظلومان و گرفتن حق آنها از ظالمین می کند

ثانیا این روایت با ضروریات مذهب شیعه در تضاد هست زیرا مذهب شیعه مذهب مبارزه با حکومت طاغوت و کفر هست

امام حسین علیه السلام فرمودند :

من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه وآله یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل ولا قول کان حقا علی الله أن یدخله مدخله .

کسی که حاکم ظالمی را ببیند که حرام خدا را حلال می کند و حرام خدا را حلال، و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت می کند؛ اما با عمل و یا سخنش سعی در تغییر آن نکند، سزاوار است که خدا او را به جهنم بیندازد .

ومیان شعار سرور آزادگان حسین بن علی (ع) در روز عاشورا :

" فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمَاءً "

مناقب ابن شهر آشوب ، ج ۳ ، ص ۲۲۴ ؛ بحار الأنوار ، ج ۴۴ ، ص ۱۹۲ . شهادت در راه مبارزه با ظلم و استبداد را سعادت ، و زندگی در سایه حکومت ستم پیشگان و سازش با استبدادگران را مایه ننگ می داند .

ثالثا این روایت به لحاظ دلالتی هم مشکل دارد زیرا قرینه ان نیز موجود می باشد

لَيْسَ فِي الرِّبَاةِ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ هِيَ رَايَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السَّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَ كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَأَنْهَضُ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى وَ لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِيَ عَلَيْهِ فَمَنْ فَعَلَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ

هیچ یک از پرچمهای برافراشته شده [قبل از ظهور آن حضرت] هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست، پرچم او پرچم هدایت است، چون که مردم را به حکومت امام زمان دعوت می کند. پس هنگامی که یمانی خروج کرد فروختن سلاح به مردم و به هر مسلمان حرام است [باید رایگان در اختیار آنها گذاشته شود و یا به مردمی که در مقابل او بایستند نباید سلاح فروخت]. پس از خروج او به یاری او بشتاب، زیرا پرچم او پرچم هدایت است و بر هیچ مسلمانی جایز نیست با او مخالفت نموده و کار شکنی کند، و اقدام کننده بر

این کار، اهل آتش است، زیرا یمانی مردم را به حق و صراط مستقیم دعوت می نماید
بحار الأنوار ج: ۵۲ ص: ۲۳۰

رابعا ما دو نوع قیام داریم که یکی بر حق و مشروع است و دگر بر باطل و نامشروع که مردم را مباحث
هدایت می کند

منظور از راییت، پرچم ضلالت هست و نه پرچم هدایت و در موید همین سخن نیز امام محمد باقر فرموده اند:
و انه ليس من احد يدعو الى ان يخرج الدجال الا و سيجد من يبایعه و من رفع رايه ضلاله فصاحبها طاغوت
هیچ کس مردم را تا خروج دجال فرا نمی خواند، مگر این که افرادی یافت می شوند که با او بیعت کنند هر
کس پرچم گمراهی برافراشت، صاحب آن طاغوت است .

فروع الکافی، کلینی، ج ۸: ۲۹۷ حدیث ۴۵۶، دارالتعارف، بیروت

اما ولایت فقیه حکومتی هست که در راستای ولایت و حکومت اهل بیت قدم بر می دارد و دلیل ما هم بر
مشروعیت آن روایاتی از ناحیه اهل بیت می باشد

امام علی (ع) العلماء حکام علی الناس - عالمان فرمانروایان بر مردمند الحیاء، ج ۲، ص ۴۴۹ امام حسین (ع)
ان مجاری الامور و الاحکام، علی ایدی العلماء بالله، العلماء علی حلاله و حرامه - ...

به درستی که مجرای امور و احکام، به دست عالمان ربانی است. علمایی که به حلال و حرام او (فقه) آگاه
هستند). تحف العقول، ۱۶۸ امام صادق (ع) فاما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً علی
هواه، مطيع لامر مولاه، فللعوام اين يقلدوه -

هر کدام از فقها که صیانت نفس دارد، از دینش محافظت می نماید، با هوای نفس مخالفت می کند و امر
مولای خود (ائمه ی معصومین ع) را اطاعت می کند، پس بر مردم است که از او تقلید کنند. وسائل الشیعه،
ج ۲۷، ص ۱۳۱ حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اما الحوادث الواقعة، فارجعوا الی رواة
حدیثنا، فانهم حجت الله علیکم و انا حجت الله علیهم - و اما در حوادث اتفاقیه، پس رجوع کنید به راویان
حدیث ما (فقها و مجتهدین)، که آنان از ناحیه ی من حجت اند بر شما و من حجت خدا هستم بر آنان. بحار
الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۱

حدیث امام سجاد علیه السلام :

و الله! لا يخرج واحد منّا قبل خروج القائم علیه السلام إلاّ كان مثله مثل فرخ طار من و کره قبل أن یتوی
جناحاه، فأخذه الصبيان فعبثوا به. (کافی، ج ۸، ص ۲۶۴ / وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۵۰ / مستدرک
الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷) به خدا سوگند! احدی از ما، پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام خروج
نمی کند، مگر این که همانند جوجه پرنده ای باشد که پیش از آن که بال و پر او ردیف شود، از لانه ی خود
بیرون زده و پرواز کند. البته به زمین می افتد آن را گرفته و کودکان ابزار بازی و سرگرمی خود قرار
می دهند .

و الله! لا يخرج واحد منّا قبل خروج القائم علیه السلام إلاّ كان مثله مثل فرخ طار من و کره قبل أن یتوی
جناحاه، فأخذه الصبيان فعبثوا به -

حدیثی که از امام صادق علیه السلام فرستاده بودید « مَا خَرَجَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ

لِيَذْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمْتَهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِيَعَتِنَا » (صحيفه سجديه ، ترجمه و تفسير الهی قمشه ای ، مقدمه ۱۲ ، انتشارات اسلامی)

اولا اگر توجه کنید منابع روایت اول (روایت امام سجاد سلام الله عليه) بسیار معتبر است (سه کتاب کافی ، وسائل الشيعه و مستدرک الوسائل) که خود براحتی ضعف سندی را پوشش میدهد . چرا که اولاً مرسلات شیخ کلینی رضوان الله عليه در کتاب شریف الکافی که معتبر ترین کتاب حدیث و روایت شیعه است توسط علما و محدثین و حدیث شناسان شیعه به شرط آنکه مشکل درایه ای نداشته باشد و دارای مطالب موهون نباشد در نهایت اعتبار قرار دارد . (۱)

در ثانی دو منبع دیگر حدیث فوق نیز از کتب بسیار معتبر شیعه هستند (وسائل و مستدرک) نام کتاب محدث نوری ره مستدرک الوسائل است یعنی مکمل کتاب وسائل الشيعه استادش جناب شیخ حر عاملی رضوان الله عليه ، یعنی :

۱- جناب محدث نوری ره احادیث معتبری را که در کتاب وسائل الشيعه نیامده در مستدرک الوسائل جمع آوری نموده .

۲- و آن احادیثی که با سند نامعتبر در کتاب وسائل آمده بررسی نموده و اگر همین حدیث را با سند معتبری می یافت آنرا در مستدرک خویش وارد میکرد و یا در مستدرک نمی آورد در غیر اینصورت حدیث یا روایت را در کتاب خویش نمی نوشت .

حال اگر توجه کنید این حدیث امام سجاد علیه السلام علاوه بر اینکه در وسائل آمده است در مستدرک آن نیز آمده است یعنی این روایت از نظر محدث نوری که از محدثان و حدیث شناسان بزرگ و بنام شیعه است معتبر میباشد .

این روایت با اندک تغییری در سند و متن در کتاب غیبت نعمانی ابی زینب (از شاگردان شیخ کلینی) نیز آمده است و نشانگر این است که روایت فوق از نظر رجالی متواتر است (حداقل دو راوی دارد) همچنین از نظر منبع و مصدر نیز تواتر دارد زیرا در سه کتاب بسیار معتبر شیعه آمده است .

در ضمن آیت الله خویی رحمه الله عليه که از مراجع بزرگ و فقهای بنام و از علمای بزرگ رجال و رجال شناسان متبحر شیعه و مولف کتاب ارزشمند معجم رجال الحدیث که در موضوع رجال شناسی است هر گونه مناقشه در اسناد احادیث کتاب کافی را حرفه و ترفند عاجزان و ناتوانان خوانده است . (معجم رجال الحدیث ، ج ۱ ، ص ۹۹)

:inspiration

حدیث امام سجاد علیه السلام :

«و الله! لا یخرج واحد منّا قبل خروج القائم علیه السلام إلا کان مثله مثل فرخ طار من و کره قبل أن

یستوی جناحاه، فأخذہ الصبیان فعبثوا به.» (کافی، ج ۸، ص ۲۶۴ / وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۵۰ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷) به خدا سوگند! احدی از ما، پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام خروج نمی‌کند، مگر این که همانند جوجه پرنده‌ای باشد که پیش از آن که بال و پر او ردیف شود، از لانه‌ی خود بیرون زده و پرواز کند. البته به زمین می‌افتد آن را گرفته و کودکان ابزار بازی و سرگرمی خود قرار می‌دهند.

و الله! لا یخرج واحد منّا قبل خروج القائم علیه السلام إلّا کان مثله مثل فرخ طار من و کره قبل أن یستوی جناحاه، فأخذہ الصبیان فعبثوا به -

حدیثی که از امام صادق علیه السلام فرستاده بودید « مَا خَرَجَ وَ لَا یَخْرُجُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمِنَا أَحَدٌ لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اضْطَلَمْتَهُ الْبَلِيغُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِنَا وَ شِيْعَتِنَا » (صحیفه سجادیه، ترجمه و تفسیر الهی قمشه ای، مقدمه ۱۲، انتشارات اسلامی)

اولا اگر توجه کنید منابع روایت اول (روایت امام سجاد سلام الله علیه) بسیار معتبر است (سه کتاب کافی، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل) که خود براحتی ضعف سندی را پوشش می‌دهد. چرا که اولاً مرسلات شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب شریف الکافی که معتبر ترین کتاب حدیث و روایت شیعه است توسط علما و محدثین و حدیث شناسان شیعه به شرط آنکه مشکل درایه ای نداشته باشد و دارای مطالب موهون نباشد در نهایت اعتبار قرار دارد. (۱)

در ثانی دو منبع دیگر حدیث فوق نیز از کتب بسیار معتبر شیعه هستند (وسائل و مستدرک) نام کتاب محدث نوری ره مستدرک الوسائل است یعنی مکمل کتاب وسائل الشیعه استادش جناب شیخ حر عاملی رضوان الله علیه، یعنی :

۱- جناب محدث نوری ره احادیث معتبری را که در کتاب وسائل الشیعه نیامده در مستدرک الوسائل جمع آوری نموده .

۲- و آن احادیثی که با سند نامعتبر در کتاب وسائل آمده بررسی نموده و اگر همین حدیث را با سند معتبری می یافت آنرا در مستدرک خویش وارد میکرد و یا در مستدرک نمی آورد در غیر اینصورت حدیث یا روایت را در کتاب خویش نمی‌نوشت. حال اگر توجه کنید این حدیث امام سجاد علیه السلام علاوه بر اینکه در وسائل آمده است در مستدرک آن نیز آمده است یعنی این روایت از نظر محدث نوری که از محدثان و حدیث شناسان بزرگ و بنام شیعه است معتبر میباشد .

این روایت با اندک تغییری در سند و متن در کتاب غیبت نعمانی ابی زینب (از شاگردان شیخ کلینی) نیز آمده است و نشانگر این است که روایت فوق از نظر رجالی متواتر است (حداقل دو راوی دارد) همچنین از نظر منبع و مصدر نیز تواتر دارد زیرا در سه کتاب بسیار معتبر شیعه آمده است .

در ضمن آیت الله خویی رحمه الله علیه که از مراجع بزرگ و فقهای بنام و از علمای بزرگ رجال و رجال

شناسان متبحر شیعه و مولف کتاب ارزشمند معجم رجال الحدیث که در موضوع رجال شناسی است هر گونه مناقشه در اسناد احادیث کتاب کافی را حرفه و ترفند عاجزان و ناتوانان خوانده است . ((معجم رجال الحدیث ، ج ۱ ، ص ۹۹))

ضمن تشکر از کاربر عزیز انترپرایس

بزگوار روایت ها شما نتنها به لحاظ دلالی بلکه به لحاظ رجالی و کلامی هم ضعیف هست و مخالف با مبانی شیعیان هست ، مشکل رجالی روایت مذکور شما :خود روایت با سندش را نگاه کنید

[19965] وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَبِيعٍ رَفَعَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ وَ اللَّهُ لَا يَخْرُجُ أَحَدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ إِلَّا كَانَ مِثْلَهُ كَمَثَلِ فَرْخٍ طَارَ مِنْ وَكْرِهِ قَلْبًا أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَانُ فَعَبَثُوا بِهِ

روایت از ربعی، رفع شده به امام سجاد ع یعنی روایت مرفوع هست و بین ربعی تا امام سجاد یک یا چند راوی جا افتاده است لذا روایت مرفوع هست روایت مرسل در اصلاح رجالی اهل سنت یعنی مرسل یعنی روایت از درجه اعتبار ساقط و ضعیف هست ضمن اینکه هم نرم افزار درایه نور و همچنین علامه مجلسی هم در کتاب مراه العقول تصریح به شعف روایت نموده است

رفعه از مصطلحات حدیثی هست که به ان مرفوع می گویند ضمن اینکه سید خوئی در معجم الحدیث می فرماید او یعنی ربعی از اصحاب امام صادق هست و از اصحاب امام صادق تا امام سجاد دو طبق فاصله هست لذا برای اینکه روایت او مسند و متصل به امام سجاد باشد حداقل باید از یک راوی دیگر که از امام سجاد سماع کرده باشد باید نقل کند

ربعی بن عبدالله بن الجارود :له أصل، أخبرنا به الشيخ المفيد رحمه الله والحسين بن عبيدالله، عن محمد بن علي بن الحسين ابن بابويه، عن أبيه، ومحمد بن الحسن بن الوليد، عن محمد بن الحسن الصفار، عن سعد بن عبدالله، والحميري، ومحمد بن يحيى، وأحمد بن إدريس، عن أحمد ابن محمد بن عيسى، عن الحسين بن سعيد، عن حماد بن عيسى، عن رباعي. وأخبرنا الحسين بن عبيدالله، عن الحسن بن حمزة العلوي، عن علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن حماد، عن رباعي ورواه ابن أبي عمير، عنه ". وعده الشيخ في رجاله من أصحاب الصادق عليه السلام

نام کتاب : معجم رجال الحدیث نویسنده : السید أبو القاسم الخوئی جلد : ۸ صفحه : ۱۶۸

در نتیجه این راوی امام سجاد را استشهدا نکرده امام سجاد که هیچ حتی امام باقر را ندیده چه برسد امام سجاد انوقت چطور می تواند روایت نقل کرده؟

اما روایات شما به لحاظ دلالی هم مشکل دارد و مشکوک اینجاست، که در روایات آمده است هیچ کدام از اهل بیت تا قبل از امام زمان خروج نمی کند، خوب اگر این روایت صحیح هست چرا امام حسین ع علیه یزید خروج کرد؟ ایا در زمان امام حسین ع ، امام زمان متولد شده است؟

ثالثا این روایت مخالف مبانی های تشیع هست زیرا در شیعه خروج بر حاکم ظالم و فاجر امری مسلم و مسجل هست

من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناكثاً لعهد الله مخالفاً لسنة رسول الله صلى الله عليه وآله يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان فلم يغير عليه بفعل ولا قول كان حقاً على الله أن يدخله مدخله .

کسی که حاکم ظالمی را ببیند که حرام خدا را حلال می‌کند و حرام خدا را حلال، و با سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مخالفت می‌کند؛ اما با عمل و یا سخنش سعی در تغییر آن نکند، سزاوار است که خدا او را به جهنم بیندازد . شیعه با الهام از رهبر و پیشوای به حق خود امیر مؤمنان (ع) که فرموده :

قُولاً بِالْحَقِّ، وَأَعْمَالاً لِلْأَجْرِ، وَكُونًا لِلظَّالِمِ خَصْمًا، وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا .
حق را بگویند، و برای پاداش الهی عمل کنید. دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید. نهج البلاغه : نامه ۴۷
این عبارت (دمی دون دینی) را کنار سخن امام حسین بگذار که می‌فرماید :

وإني لا أرى الموت إلا سعادةً والحياة مع الظالمين إلا برماً .
من مرگ را برای شکستن استبداد جزء سعادت نمی‌بینم، زندگی در زیر پرچم ظلم را جز ننگ نمی‌بینم .
مناقب آل ابی طالب - ابن شهر آشوب - ج ۳ ص ۲۲۴ و بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۴۴ ص ۱۹۲ و المعجم الكبير - الطبرانی - ج ۳ ص ۱۱۵ و تاریخ مدینه دمشق - ابن عساکر - ج ۱۴ ص ۲۱۸
بخشید مگر ما اهل سنت هستیم که خواهیم بگویم علیه هیچ حاکمی حتی فاجر هم نمی‌توان خروج کرد؟ پیغمبر در مصادر مخالفین شیعه فرمودند من خرج من السلطان شبراً مات میتته جاهلیه خروج بر حاکم یعنی مردن به مرگ جاهلیت، ایا ما عمری هستیم می‌خواهیم خروج کنید؟ حال آنکه طبق مبانی های شیعه خروج علیه این کفار جایز هست

رابعا این روایت خلاف قرآن هست و روایتی که خلاف قرآن باشد ضربوا جدار
وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (النساء/۷۵)
و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید همانان که می‌گویند
پروردگارا ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و
از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما
ایات در این زمینه متعدد هست، یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین وظیفه ما جهاد و قتال در مقابل کفار و منافقین هست

خامسا امام صادق علیه سلام فرمودند کسی علیه حاکم خروج کند من خودم هزینه اهل و عیالش را می‌پردازم وقتی از امام سجاد ع راجع به وظیفه شیعیان درباره قیام مختار ثقفی سؤال شد فرمود: لو آن عبداً زنجياً تعصب لنا اهل البيت، لوجب على الناس موازوته .
اگر برده زنگی برای یاری ما، عصابه به پیشانی بست و آهنگ قیام کرد بر مردم کمک و یاری او واجب است .
علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵ ص ۳۶۵ :

قَالَ دُكْرَبَ بَيْنَ يَدَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَنْ خَرَجَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) فَقَالَ لَا أزالُ أَنَا وَ شِيعَتِي بِخَيْرٍ مَا خَرَجَ الْخَارِجِيُّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَوَدِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَ عَلَيَّ فَقَهَّ عِيَالَهُ
شخصی می‌گوید: هنگامی که در محضر امام جعفر صادق (ع) سخن از قیام و انقلابیان از آل محمد (ص) به میان آمد، ایشان فرمود: من و شیعیانم در خیر و سلامت خواهیم بود تا زمانی که کسی از ما، علیه اینان قیام

کند و آرزو دارم که یکی از آل محمد(ص) خروج کند و مخارج اهل و عیال او را من بر عهده بگیرم .
و ساعتاً از همه مهم تر که مهر محکمی بر ابطال این روایات هست خروج حضرت زید و حضرت مختار و
دفاع اهل بیت از قیام آنهاست

اتفاقاً در زمان امام صادق علیه سلام هم اشکالاتی بر خروج حضرت زید می گرفتند که در نهایت امام صادق
فرمودند لاتقولوا من خروج زید، اصلاً شما حق ندارید حرفی در مورد خروج زید بزنید، این موید این هست
که مردمک اشکال بر خروج حضرت زید گرفتند لذا امام صادق به آنها فرمودند لاتقولوا حرف نزنید زیرا زید
کان عالماً و صادق و لم يدعوا الی نفسه زیرا او عالم و صادق بوده و مردم را به سمت خود فراخواند در
نتیجه ثابت هست اگر کسی این دو ویژگی را داشت یعنی عالم بود و مردم را به سمت دین خواند قیام و
خروجش مشروع هست که هر دوی این مقامات بر حضرت امام خمینی مترتب هست
ضمن اینکه شما مطلبی را از کتاب معجم رجال حدیث سید خوئی آوردید که من هرچی در آن صفحه کشتم
پیدا نشد این هم ادرس کتاب شما اگر زحمت بکشید به ما نشان دهید ممنون می شوم

lib.eshia.ir/14036/1/99

حدیث مشابه این حدیث از امام صادق علیه السلام :

"کل رایه ترفع قبل قیام القائم فصاحبها طاغوت یعبد من دون الله عز و جل " هر پرچمی که تا قبل از قیام
امام زمان عج برافراشته شود صاحب آن طاغوتی است که چون بت در برابر خدای عز و جل پرستیده میشود
". (کافی ، ج ۸ ، ص ۲۹۶ / وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۵۳)

حدیث امام سجاد علیه السلام :

«و الله! لا یخرج واحد منّا قبل خروج القائم علیه السلام إلا کان مثله مثل فرخ طار من و کره قبل أن
یستوی جناحاه، فأخذه الصبيان فعبثوا به.»(کافی ، ج ۸ ، ص ۲۶۴ / وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۵۰ /
مستدرک الوسائل ، ج ۱۱ ، ص ۳۷) به خدا سوگند! احدی از ما، پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام
خروج نمی کند، مگر این که همانند جوجه پرنده ای باشد که پیش از آن که بال و پر او ردیف شود، از لانه ی
خود بیرون زده و پرواز کند. البته به زمین می افتد آن را گرفته و کودکان ابزار بازی و سرگرمی خود قرار
می دهند .

راستش ن می دونم علم رجال چیه ن این حرفای که درباره صحت حدیث زدید رو فهمیدم فقط
میدونم آنچه مسلم است این است که حدیث وارده از امام سجاد صلوات الله علیه از نظر سندی هیچ گونه
مشکلی ندارد ، زیرا :

۱- منابع این حدیث بسیار معتبر هستند و این حدیث از نظر منبع و مصدر متواتر است . (سه کتاب و آن
هم سه کتاب بسیار)

۲- این روایت دارای دو راوی است که در حد تواتر بحساب می آید . وقتی حدیثی از کلام چند معصوم گفته
شده و مدرک معتبر دارد و اهل بیت هم به آن عمل کردند صحیح است . قیام امام حسین علیه السلام طبق

وصیت و فرموده خود ایشان نه از برای حکومت و قدرت و ستم بر دیگران بلکه برای اصلاح سنت و سیره رسول خدا و امر به امر و نهی از منکر بود نه چیز دیگر چرا که در احادیث ذکر شده از امام سجاد و امام صادق علیهما السلام اهل بیت برای دفع ظلم و احیای حق قیام نخواهند کرد در حدیثی از امام صادق علیه السلام که شیه به حدیث امام چهارم است نیز آمده است: به خدا قسم، هیچ یک از ما اهل بیت قبل از قیام حضرت امام زمان سلام الله علیه، برای دفع ظلمی و یا احیای حقی، خروج نکرده و نمیکنند مگر اینکه به بلیه دچار شده و سبب افزایش گرفتاری ها و مکروهات برای ما و شیعیان ماست.

و قیام امام حسین علیه السلام متفاوت است زیرا برای بر اندازی حکومت نبوده اگر بوده چرا حضرت با لشکر و سپاه حمله نکردند؟؟؟ با خانواده رفتند! چرا با وجود اینکه می دانستند شانس در جنگ ندارند و شهید میشوند به جنگ رفتن؟ پس هدف چیز دیگری بوده و حضرت هم چند بار تاکید کردند که ما برای جنگ نیامدیم دست از جنگ با ما بردارید و خود حضرت سیدالشهدا علیه السلام هم میفرماید من نه برای خواهش های نفسانی و مسائل دنیوی قیام میکنم

هیچ کدام از ائمه معصومین علیهم السلام قبل از قیام حضرت ولی عصر عجل برای بر اندازی حکومت های خلفای غاصب و جور زمانشان و حکومت کردن و حاکم شدن قیام نکردند زیرا می بینیم در برابر ظلم ها و بدعت ها و قانون شکنی های فراوان خلفای جور چون خلفای سه گانه و خلفای غاصب بنی امیه و بنی عباس سکوت کرده و صبر پیشه کردند و قیام نمودند!

حتی امام حسین علیه السلام (ایشان برای اصلاح دین و احیای سنت رسول خدا ص و امر به معروف و نهی از منکر قیام نمودند، اصلا هدف ایشان بر اندازی حکومت یزید نبود، اگر هدف ایشان از قیام، سرنگونی حکومت بنی امیه بود، پس ایشان به هدفشان نرسیدند! و با اینکه علم غیب داشتند و میدانستند که کشته میشوند و بظاهر شکست میخوردند و از عواقب آن کاملا مطلع بودند پس کار عبس و بیهوده (نستجیر بالله) انجام دادند و خون خود و ۷۲ تن از یارانشان را نعوذ بالله هدر دادند و هر چه مصیبت کشیدند بیهوده بود!!، از امام معصوم و حجت خدا کاملا بعید است). چرا که تنها قیام کننده اهل بیت امام زمان عجل (قائم) است

اللهم عجل لولیک الفرج

مجدد روایات مذکور خود را تکرار کردید که حقیر پاسخ آنها را داده ام که گفتیم روایات شما به لحاظ سندی و دلالتی مشکل دارد لذا تکرار مکررات ملال آور هست و دوستان می توانند به کامنت های قبل ما رجوع کنند تا حقیقت برای آنها روشن شود

ضمن اینکه فرمودید کسی پرچمی قبل از قیام علم کند و برافراشته کند صاحبش طاغوت هست که این روایت را هم در همان کامنت اولیه خود پاسخ دادیم و اجمالا هم باز پاسخ می گویم، ما سه دلیل داریم که منظور از این پرچم طاغوت چه پرچمی هست که در روایت اولی آمده ان فصاحبها طاغوت یعبدون دون الله،

ان پرچمی صاحبش طاغوت هست که غیر خدا را پرستش کند لذا این روایت بر حکومت ما مترتب نیست زیرا حکومت ما اسلامی هست و نه حکومت بت پرستی، روایت دیگر می فرماید من رفع رایه ضلاله صاحبها طاغوت ان پرچمی صاحبش طاغوت هست که پرچم ضلالت را بر افراشته کند حال آنکه علم و پرچم مملکت ما علم و پرچم حکومت علوی و شیعه هست و مذهب شیعه هم حق هست و نه ضلالت لذا این عقیده هم مترتب نیست و نکته سوم این هست ان پرچمی صاحبش طاغوت هست که يدعی الامامه ادعای امامت اهل بیت کند حال آنکه نه حضرت امام و نه حضرت اقا ادعای امامت اهل بیت را ندارند مضاف بر اینکه مقام معظم رهبری خود را در حد و اندازه غلامان اهل بیت هم نمی داند چه برسد مقام امامت اهل بیت که این کلیپ را باید ببینید تا حقیقت سخن ما برای دوستان روشن شود

بعد فرمودید که بضاعت علمی در مورد علم رجال و درایه ندارید اما یقین دارید روایت صحیح هست، خوب دوست گرامی اگر شما علم رجال نمی دانید چیست پس چگونه یقین دارید روایت صحیح و معتبر هست؟ اگر علمش را ندارید پس نمی توانید بفرمایید که روایت معتبر هست چون به قول خودتان علمش را ندارید و ما هم ضعف روایت را ثابت کردیم پس روایت از درجه اعتبار ساقط شده است

ثانیا ما از شما خواستیم سخن ایت الله خوئی را از لینک مذکور نشان دهید چرا شما نشان ندادید؟ لذا دوباره تقاضا می کنیم فتوای ایشان را به ما نشان دهید طبق همان جلد و صفحه ای که به ما دادید

lib.eshia.ir/14036/1/99

فرمودید که امام حسین قیام نکرده بلکه برای امر به معروف رفته بوده است، دوست گرامی، سوال من از شما این است ایا کسی که می خواهد برود امت جدش را اصلاح کند و یا امر به معروف کند بار شهادت می بندند؟ ایا شما کسی را سراغ دارید که بگوید می روم امر به معروف کنم ولی شهید می شوم؟ امام حسین اگر برای امر به معروف می رفت چرا فرمودند من کشته و شهید می شوم؟ خود همین مسئله موید بر خروج امام حسین بر یزیدیان هست که ایشان هم بار قیام بر بستند

جالب این است که امام حسین (علیه السلام) در ذیل همین خطبه می فرماید :

ألا و إن هؤلاء قد لزموا طاعة الشيطان و ترکوا طاعة الرحمن و أظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالفئ و أحلوا حرام الله و حرموا حلاله و أنا أحق من غیر و قد أتتني کتبتکم و قدمت علی رسلکم ببيعتکم، لکم لا تسلمونی و لا تخذلونی، فإن تمتمت علی بیعتکم تصیبوا رشدکم .

آگاه باشید که این یزید و یزیدیان، ملازم فرمان شیطان هستند و دستور الهی را زیر پا گذاشتند و فسادشان را آشکار کرده اند و حدود الهی را تعطیل کرده اند و بیت المال مسلمین را به هرگونه که می خواهند، غارت می کنند و حرام خدا را حلال کرده اند و حلال خدا را حرام کرده اند و من شایسته ترین فرد هستم که در برابر این جنایت قیام و مبارزه کنم .

همان طور که مشاهده فرمودید اولاً امام حسین علیه سلام بر این جنایت های قیام و خروج کردند مضاف بر اینکه دلیل دوم ما بر خروج امام حسین ایه قران هست زیرا امام حسین علیه سلام در این خطبه می فرمایند یزید ملازم شیطان هست و خداوند هم دستور قیام و جهاد و خروج علیه شیطان را داده است

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء/۷۶)

کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان در نهایت ضعیف است (۷۶)

لذا طبق خطبه امام حسین علیه سلام و ایه قران ایشان علیه شیاطین نتنها خروج کردند بلکه طبق ایه قران فقاتلوا دست به جنگ و کارزار زدند حالا چگونه شما می‌گویند ایشان قیام و خروج نکرده ضمن اینکه خود سید الشهداء تصریح بر خروج یعنی قیام زده اند حتی برای همان امر به معروف که یکی از ماموریت های امام حسین علیه سلام بوده است

خود امام سجاد علیه سلام تصریح دارند اگر کسی برای دفاع از اهل بیت و گرفتن حقوق آنها قیام کرد بر ما واجب است به او کمک کنیم و حالا چگونه شما می‌گویید که امام سجاد فرموده ما هرگز خروج نمی‌کنیم؟ وقتی از امام سجاد ع راجع به وظیفه شیعیان درباره قیام مختار ثقفی سؤال شد فرمود: لو أن عبداً زنجياً تعصب لنا اهل البيت، لوجب على الناس موازوته .

اگر برده زنگی برای یاری ما، عصابه به پیشانی بست و آهنگ قیام کرد بر مردم کمک و یاری او واجب است . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵ ص ۳۶۵

علاوه بر این ما این همه آیات قران برای شما آورده ایم آیا قران نزد شما حجت نیست؟ شما با این آیات چه می‌کنید؟

فقاتلوا مشرکین

اشدا علی الکفار

یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین

شما با قیام زید و مختار و همچنین سید یمانی و غیره چه خواهید کرد؟

مجدد می‌گوییم مگر اهل بیت عمری و سنی هستند که بگویند ما علیه کفار و سلطان خروج نمی‌کنیم؟ تفاوت مذهب شیعه با عمری در همین قیام هست ، امام حسین علیه سلام می‌فرماید :

وإني لا أرى الموت إلا سعادةً والحياة مع الظالمين إلا برماً .

من مرگ را برای شکستن استبداد جزء سعادت نمی‌بینم، زندگی در زیر پرچم ظلم را جز ننگ نمی‌بینم . مناقب آل ابی طالب - ابن شهر آشوب - ج ۳ ص ۲۲۴ و بحار الأنوار - العلامة المجلسی - ج ۴۴ ص ۱۹۲ و المعجم الكبير - الطبرانی - ج ۳ ص ۱۱۵ و تاریخ مدینه دمشق - ابن عساکر - ج ۱۴ ص ۲۱۸

دوست گرامی و عزیزم، امام حسین در این خطبه می‌فرماید من زندگی زیر پرچ ظلم را ننگ می‌دانم انوقت شما می‌فرمایید اهل بیت فرموده اند ما علیه ظلم قیام نمی‌کنیم و زیر پرچم ظلم زندگی می‌کنیم؟ امام حسین می‌فرماید من مرگ و مردن در مقابل ظلم و استبداد را افتخار می‌دانم این یعنی خروج و قیام علیه استبداد را مترتب می‌کند لذا اگر قرار باشد امام حسین علیه استبداد قیام نکند چطور مرگ را افتخار می‌داند؟ مگر می‌شود شما خروج نکنی زیر پرچم ظلم هم باشی بعدا به خودت افتخار هم بکنی؟ در نتیجه امام حسین قیام علیه یزید و مرگ در این راه را سعادت می‌دانست حالا چطور شما می‌گویید امام حسین قیام نکرده است؟

شما فرمودید امام حسین علیه براندازی حکومت نرفته، خوب دوست گرامی اگر امام حسین برای براندازی حکومت نرفته چرا یزید، امام را کشت؟ آیا می شود شما حکومتی نداشته باشی انوقت بخواهی سیره و سنت جدت را در آن حکومت احیا کنی؟ در حالی که سیره یزید طبق نص امام حسین شیطانی بوده و سنت پیغمبر را باطل کرده و حلال را حرام کرده و حرام را حلال انوقت شما چگونه بدون قیام می خوهی حکومت اسلامی احیا کنی؟ حال آنکه امام حسین می فرماید من قیام می کنم و خروج می کنم که زیر پرچ ظل و استبداد نمی توانم باشم

لطفا پاسخ سوال های ما را بدهید :

سوال ۱: شما فرمودید قیام قبل از خروج امام زمان باطل هست، آیا شما قیام و خروج های پیغمبر علیه کفار که براساس آیات قران هم هست را هم باطل می دانید یا خیر؟

سوال ۲: مولا علی ع فرمودند من یار نداشتم که اگر یار داشتم علیه حکومت سقیفه خروج می کردم، آیا شما نیت خروج امام علی ع را هم بر قیام باطل و کفر می دانید یا خیر؟

سوال ۳: امام حسین علیه یزید خروج کرد آیا شما قیام امام حسین علیه سلام را هم باطل می دانید یا خیر؟

سوال ۴: مختار بنا بر دستور امام سجاد علیه سلام خروج کردند و حکومت تشکیل دادند آیا شما منویات و دستورات امام سجاد مبنی بر خروج مختار را هم باطل می دانید یا خیر؟

سوال پنجم: آیا شما خروج حضرت زید انهم به دفاع و حمایت امام صادق علیه سلام را باطل می دانید یا خیر؟

سوال ۶: آیا شما عدم خروج امام صادق علیه سلام به خاطر نداشتن یار را باطل می دانید یا خیر؟ حالا شما به ما بگوید این همه اهل بیت خروج کرده اند و یا به خاطر نداشتن یار خروج نکردند، در کدام عصر امام زمان ظهور کرده بود که اینها خروج کردند و یا اهنگ خروج را داشتند؟ شما با نصوص مختلف آیات چه می کنید؟ آیا همه اینها را باطل می دانید؟

این هم نیت مولا علی ع که در خطبه طالوتیه و روایات دیگر آمده است :

والله یا سدير لو كان لى شيعه بعدد هذه الجداء، ما وسعنى العقود، و نزلنا و صلينا فلما فرغنا من الصلاه عطفت على الجداء فعددتها فاذا هي سبعة عشر

ای سدی! اگر به عدد این گوسفندان برای من شیعیه بود، نشستن و سکوت بر من روا نبود (سدير گوید) پیاده شدیم و نماز بجا آوردیم، پس از فراغت از نماز من به جانب گوسفندان رفتم و آنها را شماره کردم دیدم ۱۷ عدد است .

کلینی، اصول کافی، جلد ۲، باب قله ی عدد المومنین، حدیث ۴ :

این هم نیت خروج امام صادق علیه سلام

امام صادق (ع) به سهل خراسانی داد که مدعی بود صد هزار شمشیر زن در خراسان آماده حمایت از حقوق اهل بیت (ع) است و لذا خواستار قیام عملی و رسمی امام (ع) بود، امام (ع) از سهل خواست وارد تنور آتش شود که او اجابت نتوانست در این میان هارون مکی وارد شد و خواست امام را اجابت کرد، امام (ع) از سهل پرسید مانند هارون در خراسان چند نفر دارید؟ سهل پاسخ گفت حتی یک نفر هم نیست امام (ع) فرمود:

زمانی که پنج نفر یاور نداشته باشیم هرگز خروج نمی کنیم، ما بهتر از شما می دانیم که چه زمانی قیام کنیم .

ابن شهر آشوب، المناقب، ج ۳ ص ۳۶۲؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۷ ص ۱۲۳
عجیب هست که این همه آیات و روایات مبنی بر جهاد و خروج و کشتار و قیام علیه کفار و مشرکین هست شما تمکین نمی کنید، سیره پیغمبر بر قیام و خروج و تشکیل حکومت بوده شما تمکین به این هانی حقیقی شیعه نمی کنید انوقت چنگ می زنید به چهار تا روایتی که هم با قران در تضاد هست و هم ضروریات مذهب و همبه لحاظ دلالتی و رجالی اشکال دارد؟ و انوقت می خواهید ولایت فقیه را زیر سوال ببرید؟ به قول اعراب ثم ماذا؟

inspiration:

حدیثی که از امام صادق علی السلام فرستاده بودید « مَا خَرَجَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ إِلَى قِيَامِ قَائِمًا أَحَدًا لِيُدْفَعَ ظُلْمًا أَوْ يَنْعَشَ حَقًّا إِلَّا اصْطَلَمَتْهُ الْبَلِيَّةُ، وَ كَانَ قِيَامُهُ زِيَادَةً فِي مَكْرُوهِهِ وَ شِيَعَتِنَا » (صحیفه سجادیه ، ترجمه و تفسیر الهی قمشه ای ، مقدمه ۱۲ ، انتشارات اسلامی)

اولا اگر توجه کنید منابع روایت اول (روایت امام سجاد سلام الله علیه) بسیار معتبر است (سه کتاب کافی ، وسائل الشیعه و مستدرک الوسائل) که خود براحتی ضعف سندی را پوشش میدهد . چرا که اولاً مراسلات شیخ کلینی رضوان الله علیه در کتاب شریف الکافی که معتبر ترین کتاب حدیث و روایت شیعه است توسط علما و محدثین و حدیث شناسان شیعه به شرط آنکه مشکل درایه ای نداشته باشد و دارای مطالب موهون نباشد در نهایت اعتبار قرار دارد . (۱)

در مورد این حدیث طبق ان چیزی که قبول دارید نکته مختصری را توضیح دهم ما خرج آمده یعنی ماضی است دیگر؟؟ خارج نشده است از ما اهل بیت خوب چگونه خارج نشده است مگر قیام امام حسین ع را را نداریم که خارج شده اند پس می رساند که مفهوم حدیث چیز دیگری است زیرا اگر ما طبق این مساله ساده پیش بریم قیام امام حسین ع را زیر نعوذ بالله زیر سوال می برد همانطور که از روایات دیگر بر می آید بر فرض صحت حدیث که در مقدمه کتاب آمده است منظور خروج بر باطل بوده است
فهم بسیاری از احادیث بر قرینه خارجی درست می شود